

بررسی اثر عوامل نهادی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی

(مقایسه بین کشورهای منتخب: ۲۰۱۴-۲۰۱۰)

فاطمه شیراوند^۱

دکتر سیدرضا مظهری^۲

دکتر محسن محمدی خیابره^۳

دکتر عبدالسعید توماج^۴

چکیده

تحقیق حاضر بر اساس هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، علی و تجربی است. که به بررسی اثر عوامل نهادی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی ۳۹ کشور از سراسر جهان با استفاده از داده‌های سال ۲۰۱۴-۲۰۱۰ می‌پردازد. در این تحقیق از شاخص «فعالیت‌های کارآفرینی نوپا» برای اندازه‌گیری میزان تأثیر کارآفرینی بر روی رشد اقتصادی و «حاکمیت قانون» به‌عنوان عامل نهادی رسمی برای اندازه‌گیری تأثیر این عامل بر روی رشد اقتصادی استفاده شده است. نتایج این تحقیق با تحقیقات گذشته در مورد اینکه حاکمیت قانون تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی و کارآفرینی با توجه به درجه توسعه‌یافتگی کشورها نیز تأثیر مثبت و یا منفی بر رشد اقتصادی دارند، هم‌راستا می‌باشد، اما این نتایج در مورد همه کشورها صدق نمی‌کند به‌طوری‌که بعضی از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه وجود دارند که با بهبود حاکمیت قانون یا افزایش کارآفرینی، رشد اقتصادی آنها کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، کارآفرینی، کارآفرینی نوپا، عوامل نهادی، حاکمیت قانون

^۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مدیریت کارآفرینی گرایش خدمات کشاورزی دانشگاه گنبدکاووس
^۲. استادیار اقتصاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه گنبدکاووس
^۳. استادیار اقتصاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه گنبدکاووس
^۴. استادیار آمار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه گنبدکاووس



۱- مقدمه

اهمیت رشد اقتصادی برای برقراری و پایداری یک جامعه به‌وفور آشکار است. میرمعزی (۱۳۸۲) در این باره می‌گوید باوجود رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، همچنان فقر و نابرابری در این کشورها خودنمایی می‌کند این نشان می‌دهد که رشد شرط لازم کاهش فقر و نابرابری است؛ ولی شرط کافی نیست.

دلیل دیگری برای اهمیت مطالعه رشد اقتصادی می‌تواند این باشد که به‌عنوان مثال در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، جمعیت زیاد، نیروی کار رو به افزایش، درآمدهای نفتی قابل توجه، افزایش مخارج و درآمدهای دولت‌ها و همچنین بخشش بدهی‌های خارجی این کشورها توسط سازمان‌های بین‌المللی، نرخ رشد سرانه در کشورهای ضعیف و بی‌ثبات می‌باشد (سازمان پژوهش‌های اقتصادی خاورمیانه^۵، ۲۰۱۱). لذا باید عوامل دیگری به‌غیر از عوامل اقتصادی را مورد بررسی قرارداد. بنابراین مطالعه در این زمینه نگاه ویژه‌ای را می‌طلبد. به‌طور کلی می‌توان عوامل تأثیرگذار بر روی رشد اقتصادی را با توجه گفته نخعی و نجارزاده (۱۳۸۲) به دودسته عوامل اقتصادی و عوامل غیراقتصادی طبقه‌بندی کرد:

عوامل اقتصادی مانند «منابع طبیعی»، برای رشد اقتصادی در کنار این منابع طبیعی باید نحوه استفاده و بهره‌وری درست نیز تدوین شود. «تمرکز سرمایه» یک عامل کلیدی در رشد اقتصادی محسوب می‌شود که از یک‌سو بر تقاضا اثر می‌گذارد و از سوی دیگر بر تولید آتی تأثیرگذار است. «پیشرفت تکنولوژیک»، سبب افزایش بهره‌وری کار، بازدهی سرمایه و سایر عوامل تولید می‌شود. «تقسیم کار و مقیاس تولید»، باعث افزایش بازدهی نیروی کار می‌شود که سبب تولید در مقیاس زیاد و توسعه صنعتی جوامع نیز می‌باشد. «تغییرات زیربنایی»، سبب افزایش فرصت اشتغالی، بازدهی زیاد نیروی کار، افزایش تمرکز سرمایه و بهبود نحوه تولید می‌شود.

عوامل غیراقتصادی، «عوامل اجتماعی»، ارزش‌ها، تفکر، نهادها و فرهنگ بر رشد بی‌تأثیر نیستند. «عامل انسانی»، رشد اقتصادی قبل از تأثیرپذیری از کمیت نیروی انسانی تحت تأثیر کارایی آن است. «عوامل سیاسی و تشکیلاتی»، مثل بروکراسی، تشکیلات اداری قوی و ثبات سیاسی را می‌توان تأثیرگذار بر رشد دانست.

با توجه به عوامل غیراقتصادی بیان شده می‌توان از عوامل انسانی به نقش کارآفرین و از عوامل اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی به عوامل نهادی اشاره کرد. برای آشنایی بیشتر با این دو عامل در ادامه تعاریفی مربوط به آن‌ها و رابطه این عوامل بر رشد اقتصادی اشاره خواهد شد.

کارآفرینی مفهوم جدیدی نیست و ریشه آن به قرن هجدهم بازمی‌گردد، و به زمانی برمی‌گردد که ریچارد کانتیلون عوامل اقتصادی را به سه دسته تقسیم کرد: (۱) مالکان زمین، (۲) عوامل اقتصادی دستمزد بگیر و (۳) آن دسته از عوامل اقتصادی که با قبول خطر در بازار بورس فعالیت می‌کنند (پروکوپنکو و لاور، ۱۹۹۱).

کارآفرینی فرایندی است که از فرصت‌های موجود در محیط یا فرصت‌هایی که از طریق نوآوری ایجاد شده، به‌منظور ایجاد ارزش بهره‌برداری می‌کند (کوکینو، ۲۰۰۵). شومپتر، کارآفرینی را موتور توسعه اقتصادی معرفی کرده است. به اعتقاد وی کارآفرینی، مجموعه ابداع‌ها و نوآوری‌هایی است که به اقتصاد، انرژی جدیدی برای رشد و موفقیت تزریق می‌کند (بامول، ۱۹۹۰). به اعتقاد بامول، کارآفرین از قوه ابتکار و خلاقیت در یافتن روش‌هایی برخوردار است که منجر به افزایش دارایی‌ها، قدرت و اعتبار وی می‌شود (همان). بسیاری از اقتصاددانان و سیاستمداران بر این عقیده‌اند که کارآفرینی بر رشد تولید ناخالص تأثیر مثبت دارد (کری و توریک، ۲۰۰۲). با توجه به نظرات گفته‌شده کارآفرینی از طریق نوآوری، تنوع منابع، اختراع و رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی تأثیر بسیاری می‌گذارد لذا عوامل کارآفرینی می‌توانند به‌عنوان عوامل کلیدی رشد اقتصادی و بهره‌وری نشان داده شوند.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران بازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید باهنر

تعریف جامع نورث از نهادها این است، نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند. وی نهادها را دلیل اصلی تفاوت در توسعه‌یافتگی کشورها می‌داند. وی در اثر بزرگ خود «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» به تشریح نظریه‌های خود در این مورد که تحول چارچوب نهادی جامعه را از رکود و زوال به موفقیت‌های اقتصادی می‌رساند، پرداخته‌است (نورث، ۱۹۹۰).

حال با توجه به مطالب گفته‌شده در این بخش، و با توجه به اینکه همچنان شکاف بزرگی بین کشورهای ثروتمند و فقیر وجود دارد؛ سؤالی که با آن مواجه خواهیم شد این است که حاکمیت قانون (به‌عنوان یک عامل نهادی) و کارآفرینی چگونه بر رشد اقتصادی کشورها با درجه توسعه‌یافتگی متفاوت، تأثیر می‌گذارد؟

ضرورت مطالعه این تحقیق نیز به این دلیل است که دنبال یافتن دلایلی است که موجب تأثیر مثبت کارآفرینی و حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورها، با توجه به درجه توسعه‌یافتگی آن‌ها می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- تحقیقات داخلی

صباحی و همکاران (۱۳۹۱)، تحقیقی را با عنوان «بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب»، که برای اندازه‌گیری کارآفرینی از سه شاخص «کارآفرینی نوپا»، «شاخص نوآوری» و «شاخص فعالیت‌های کارآفرینی» استفاده کردند به این نتیجه رسیدند که کارآفرینی اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد البته میزان و نوع تأثیر به سطح درآمد سرانه کشورها بستگی دارد بدین‌صورت که در کشورهای با سطح درآمد سرانه بالا، اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی مثبت، و در کشورهای کم‌درآمد و فقیرتر این اثر منفی است. تحقیق دیوسالار و بزرگی (۱۳۹۱) با موضوع «بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار» از روش کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدند که راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی و گریز از بحران بیکاری جز از راه توسعه کارآفرینی میسر نخواهد بود. سلاجقه و حسینی‌گوهری (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «رابطه کارآفرینی با چالش‌های اقتصادی» به‌صورت مروری به این نتیجه رسیدند که کل راه شکوفایی اقتصادی و توسعه صنعتی در گروه توسعه کارآفرینی است. نجارزاده‌نوش‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی» از شاخص خوداشتغالی به‌عنوان شاخصی برای کارآفرینی غیرمولد و از نوآوری به‌عنوان شاخصی برای کارآفرینی مولد استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده این است که لازمه نیل به رشد اقتصادی بلندمدت، کارآفرینی بر مبنای نوآوری دانسته شده است. عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین‌کشوری برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵)» به بررسی اثر عامل نهادی در کنار عوامل دیگر اقتصادی بر رشد اقتصادی پرداختند که به وجود رابطه بین عوامل نهادی و رشد اقتصادی دست یافتند. شاکری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا» با شاخص جدید که شامل کیفیت بروکراسی، حاکمیت قانون، حق اظهارنظر و پاسخگویی است به این نتیجه که رابطه معنی‌داری بین عوامل نهادی و رشد اقتصادی وجود دارد.

۲-۲- تحقیقات خارجی

وان استل و همکاران (۲۰۰۴) در مطالعه خود با عنوان «اثر کارآفرینی در رشد اقتصاد ملی: تجزیه و تحلیل با استفاده از پایگاه داده‌ها» به بررسی اثر کارآفرینی به رشد اقتصادی در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۳ پرداختند. آنها با استفاده از شاخص کل فعالیت‌های کارآفرینی به این نتیجه رسیدند که وجود تأثیر کارآفرینی منوط به اینکه سطح درآمد سرانه کشورها چگونه است، می‌باشد. فناس و میهوف (۲۰۱۱) در تحقیق «نوسانات سیاسی، نهادها و رشد اقتصادی» تنها با شاخص بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای منتخب جهان در سال‌های ۲۰۰۷-



۱۹۹۷ به این نتیجه رسیدند که این شاخص تأثیرگذار بر روی رشد اقتصادی است که این تأثیر منفی می‌باشد. بارو (۱۹۹۶) در تحقیق «عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی» به این نتیجه رسید که اثر دموکراسی به صورت غیرخطی و اثر حاکمیت قانون مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی رسیدند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- کارآفرین و کارآفرینی

امروزه از کارآفرینی با عنوان «موتور جستجو حرکت توسعه صنعتی و اقتصادی جامعه» ذکر می‌شود. دیدگاه‌های زیاد و متفاوتی در مورد کارآفرینی و کارآفرین وجود دارد.

ریشه واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای متعهد شدن می‌باشد. ژوزف شومپیتر از اقتصاددانان مکتب آلمان و پدر کارآفرینی در سال ۱۹۳۴ کارآفرینی را این‌گونه معرفی کرد: «هر فرآیندی در شرکت که منجر به کالای جدید، ایجاد روش جدید، بازار جدید و منابع جدید می‌شود، می‌گوییم کارآفرینی رخ داده است». وی شومپیتر کارآفرینی را به عنوان نیروی برهم زننده اقتصاد به کار برد و آن را تحت عنوان (تخریب خلاق) نامگذاری کرد. کارآفرینی شومپیتری شامل سه ویژگی اساسی است:

✓ کارآفرینی از قبل قابل درک است، اما نمی‌توان با به کار بردن قوانین معمولی و با استنباط از حقایق موجود به طور

عملی آن پیش‌بینی کرد؛

✓ کارآفرینی رویدادها و نتایج بلندمدت را شکل می‌دهد و برای اینکه موقعیت‌های مناسبی خلق کند، موقعیت‌های

اقتصادی و اجتماعی را تغییر می‌دهد؛

✓ کثرت و تکرار رویدادهای کارآفرینانه به کیفیت نسبی نیروها، تصمیمات فرد، اقدامات و الگوهای رفتاری بستگی

دارد (تونلی و یولای، ۲۰۰۱).

تیمونز، کارآفرینی را «توانایی خلق و ساخت چیزی ارزشمند از هیچ‌چیز می‌داند». این مفهوم یعنی شروع، انجام، دستیابی و ایجاد یک

شرکت یا سازمان (پروکوپنکو و لایور، ۱۹۹۱).

کارآفرینان، افراد خلاق هستند که ایده‌های نو تولید می‌کنند و آن را در قالب یک شرکت به سرانجام می‌رسانند، به علاوه در شرکت‌های کارآفرین، کارکنان می‌توانند به دنبال ناشناخته‌ها بروند و روش‌های جدید را به محرک تجربه بگذارند در این شرکت‌ها افراد با خلاقیت و ابتکار عمل، تشویق می‌شوند. بها دادن به خلاقیت نه تنها در درازمدت باعث رشد و توسعه شرکت‌ها می‌شود، بلکه زمینه مناسبی را برای رشد و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های انسانی، فراهم می‌کند (کورنوال و پرلمن، ۲۰۰۰).

به طور کلی می‌توان بیان داشت کارآفرین کسی است که فرصت‌ها را شناسایی می‌کند و آن‌ها را تشخیص می‌دهد، منابع مورد نیاز را جمع‌آوری کرده، طراحی و اجرای نقشه‌ای عملی را برعهده گرفته، نتایج به دست آمده را به موقع و با روشی انعطاف‌پذیر و منطقی جمع‌آوری می‌کند. همچنین بر اساس نظرات شومپیتر، کارآفرینی می‌تواند در واحدهای مختلف شکل گیرد.

نقش شایسته کارآفرینی و تأثیر آن در رشد و توسعه اقتصادی، رقابت، شغل‌آفرینی، اشتغال‌زایی پایدار، استقرار و توسعه عدالت اجتماعی، حضور گسترده و فعال در بازارهای جهانی، فقرزدایی و افزایش امید به زندگی، شاد زیستی و سایر آرمان‌های اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. دستاورد راهبردی سیاست کارآفرینانه، دو پیامد مهم ایجاد اشتغال و ایجاد رفاه است که این دو باهم در خدمت توسعه اجتماعی خواهند بود (شاه‌آبادی و رحمانی، ۱۳۸۹)

از سوی دیگر، تحولات و دگرگونی‌های شگرف و عظیمی که به دلیل رشد فزاینده افزایش دانش، صنعت و فناوری در زندگی نوع بشر رخ داده موجب شده تا کشورهای مختلف راهکارهای مناسب و مؤثری را برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از این تحولات بیابند و بکار بندند.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید کاوسی

اندیشمندان و خردورزان، کارآفرینی را از مهمترین این راهکارها دانسته‌اند که در جهان کنونی مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است (کیانپور و خلیل‌خواه، ۱۳۹۲).

۳-۲- مسیره‌های اثرگذاری کارآفرینی بر رشد اقتصادی

آدریچ و توریک عقیده دارند سه مسیر برای اثرگذاری کارآفرینی بر رشد اقتصادی وجود دارد:

۱) ایجاد سرریز دانش

در نظریه‌های نوین رشد، زمانی که اقتصاد به حالت پایدار دست یابد، رشد درآمد سرانه تنها از طریق رشد دانش میسر خواهد بود و این امر، منجر به ظهور تکنولوژی‌های تولید کارا تر و بهره‌وری بیشتر می‌گردد. رومر (۱۹۸۶) در فرمول‌بندی جدید خود از رشد انباشت و سرریز دانش را مبنای رشد درونزای یک اقتصاد می‌داند. وی در درجه اول دانش را به‌عنوان سرریزی از سطح انباشت سرمایه، و سپس سرریزی از انباشت دانش می‌داند.

۲) افزایش رقابت

افزایش تعداد بنگاه‌ها نه تنها موجب افزایش رقابت در اتخاذ ایده‌های جدید می‌شود، بلکه رقابت بیشتر بین بنگاه‌ها، سبب تسهیل ورود بنگاه‌های جدیدی می‌شود؛ که در زمینه تولید محصول خاص جدیدی، تخصص دارند. کارآفرینان از طریق افزایش رقابت، بهره‌وری را افزایش می‌دهند. آنها از طریق معرفی گونه‌های محصولات و خدمات موجود در بازار، دانش ما را افزایش می‌دهند. در نتیجه، انتخاب بهترین ترکیب‌های بازار محصول میسر می‌شود. در این فرآیند، سرریزهای دانش نقش مهمی را بازی می‌کنند.

۳) ارائه تنوع و نوآوری

شومپیتر در مطالعات اولیه خود (۱۹۱۱) مفهوم کارآفرینی را در قالب نوآوری، به‌عنوان نقش کلیدی در پیشبرد توسعه اقتصادی، وارد کرد. فعالیت‌های نوآورانه کارآفرینان با ایجاد اختلالات ثابت به یک سیستم اقتصادی در حال تعادل و ایجاد فرصت‌ها برای منافع اقتصادی، روند تخریب خلاق را به جلو می‌برد. (شومپیتر، ۱۹۴۲) در تنظیم تعادل، نوآوری‌های دیگری ایجاد شده و کارآفرینان بیشتری وارد سیستم اقتصادی می‌شوند. به این ترتیب، نظریه شومپیتر پیش‌بینی می‌کند، افزایش تعداد کارآفرینان منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. مطابق نظریه شومپیتر، در جریان پیشرفت ادبیات اقتصادی تجربی، نوآوری به‌عنوان یک منبع رشد اقتصادی شناخته شده است.

۳-۳- نهادها

در دهه ۱۸۹۰، تقریباً بحث از اندیشه اقتصاد کلاسیک از صحنه کنار رفته و انتقاد علیه تفکر نئوکلاسیک آغاز گردید. به نظر می‌رسد دشواری‌های حاصل از کارکرد اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا با رویکرد نئوکلاسیک، یکی از زمینه‌های اجتماعی بروز اندیشه نهادگرایی باشد (دادگر، ۱۳۸۳)

نهاد دارای مفهوم و تعریفی گسترده است. طبق گفته نورت (۱۳۷۷) که تعریف جامعی در این رابطه دارد و این است که «نهادها قیودی هستند وضع شده از جانب بشر که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شرح می‌دهد». به تعبیر کلی نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی‌اند که پیرامون یک هسته اصلی مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید باهنر

نورث و توماس (۱۹۷۳)، دربارهٔ نهاد می‌گویند که نهادها، دلیل اصلی تفاوت در توسعه‌یافتگی کشورهاست. نورث اولین کسی بود که مطالعات خود را در زمینهٔ اینکه، «چرا بعضی از کشورها رشد سریع‌تری نسبت به بقیه دارند»، را آغاز نمود. وی بحث نهادها را با اولین اثر خودش «ظهور جهان غرب» وارد اقتصاد کرد (نورث و توماس، ۱۹۷۳). همچنین نورث در دیگر کتاب معروف خود «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» در سال ۱۹۹۰ به بحث در مورد تحول عوامل نهادی بر رشد اقتصادی پرداخته است. وی همچنین علل و عوامل بنیادی رشد اقتصادی را نهادهایی می‌داند که منجر به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش بهره‌وری از طریق تخصصی کردن فعالیت‌ها و فرآیند مبادله می‌شوند (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۶). وی همچنین علل و عوامل بنیادی رشد اقتصادی را نهادهایی می‌داند که منجر به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش بهره‌وری از طریق تخصصی کردن فعالیت‌ها و فرآیند مبادله می‌شوند (همان).

وبلن (۱۹۰۹)، معتقد است، نهادها آن دسته از عادات تثبیت‌شده فکری هستند که در بین عموم انسان‌ها مشترک می‌باشند او همچنین بایانی مشابه مطرح می‌کند که نهادها محصول عادات‌اند. میچل (۱۹۱۰) نیز در اظهاراتی بیان می‌کند «مفاهیم اجتماعی هستهٔ نهادهای اجتماعی» هستند. دوم اینکه نهادها چیزی نیستند جزء «عادات فکری»، که به‌عنوان هنجارهای هدایتگر «سلوک و رفتار» از پذیرش عمومی برخوردار شده است.

به نقل از نورث نهادها به دودسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند.^۷

۳-۴- مسیرهای اثرگذاری نهادها بر روی رشد اقتصادی

۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی

این شاخص بیانگر مفهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات است که به‌عنوان شاخص دموکراسی یاد می‌کنند (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۶). تأثیر این شاخص بدین‌صورت است که ۱: آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخگویی دولت‌مردان، امنیت حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادهای افزایش داده و بنابراین با کاهش ریسک و نا اطمینانی، نرخ بازگشت سرمایه افزایش خواهد یافت (کلاژیو و همکاران، ۱۹۹۶). ۲: با این شاخص حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگوتر هستند که باعث افزایش سرمایه انسانی می‌شوند، که این افزایش از یکسو با تولید بیشتر همراه است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد. ۳: این شاخص موجب افزایش آگاهی‌های مردم و افزایش شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شود و از طریق پاسخگویی دولت، موجب کاهش تخصیص غیر بهینه منابع می‌شوند (انجرمن و همکاران، ۱۹۹۲).

۲- کنترل فساد

تعریف سالنامه شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از: سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی برای مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی (پل، ۱۳۸۱).

^۷ به نقل از نورث (۱۹۹۰) نهادها می‌توانند به صورت رسمی، مانند قوانین سیاسی، اقتصادی و قوانین قراردادهای (تعاملات) و یا غیررسمی، مانند رفتار، نگرشها، ارزشها، هنجارهای رفتاری و قراردادهای و به‌طور خلاصه، فرهنگ یک جامعه را تعیین کنند. براساس نظریهٔ نورث، نهادهای رسمی وابسته به نهادهای غیررسمی هستند، به این معنا که آنها به صورت پیش‌بینی شده از ساختار تعاملات جامعه همراستا با ارزشها و دستورالعملهای فرهنگی که نهادهای رسمی را تشکیل می‌دهد، استفاده می‌کنند. به طور کلی عوامل نهادی رسمی عواملی هستند که به‌صورت رسمی تدوین میشوند و نظام اجرای مصوب از قوانین در یک انجمن، جامعه و یا ملت هستند و شامل نهادهای تنظیمی مانند قوانین اقتصادی سیاسی می‌باشند.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۳۹۵ اسفند ۱۱

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت امور اقتصادی و دارایی
دانشگاه شهید باهنر اهواز

بیشتر پژوهشگران مانند مورو^۱ و بندسن تعریف بالا به فساد را نادرست دانسته و بیان می‌کنند فساد به روش‌های مختلف باعث تضعیف رشد می‌شود. نمونه‌ای مختصر از این موارد به شرح زیر می‌باشد:

۱: دزدیده شدن سرمایه‌های عمومی توسط افراد فاسد

۲: انحراف سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آنها بیشتر است (بدون توجه به میزان ضرورت پروژه).

۳: فساد به‌عنوان یک مالیات به روی سرمایه‌گذاری خصوصی (به‌عنوان مثال، مبلغ پرداختی به‌عنوان رشوه) باعث کاهش سود و سرمایه‌گذاری می‌شود.

تأثیر این شاخص بر رشد اقتصادی به دو صورت است؛ گروه اول معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌پذیر تحمیل شده توسط دولت، کارایی و رشد اقتصادی را ارتقاء دهد. گروه دوم فساد را مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شوند (برادران شرکاء و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۷)

۳- حاکمیت قانون

بارو (۱۹۹۹) در مورد اثرات اقتصادی نهادهایی چون حقوق مالکیت و سیستم قضایی می‌گوید: از آنجایی که مردم به دنبال نفع شخصی هستند، تنها در صورتی اقدام بر عهده گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری می‌کنند که احتمال منطقی از منتفع شدن از تلاششان موجود باشد. بنابراین، اگر حقوق مالکیت خوب بیان‌نشده باشد مردم اقدام به کاهش تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کنند.

اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های شاخص حاکمیت قانونی است (عیسی زاده و احمدزاده، ۱۳۸۶). در واقع این‌گونه بیان می‌شود که حاکمیت قانون حمایت از افراد در مقابل اقدام‌های غارتگری و خودسرانه و اعتماد مردم به قوانین و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت، همچنین وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف که این‌ها مواردی هستند برای تضمین حقوق مالکیت و خوب اجرا کردن قراردادهای و هدایت و استفاده صحیح منابع را به دنبال دارد که به سرمایه‌گذاری‌های مولد منجر می‌شود.

تأثیر این شاخص بر رشد اقتصادی بدین صورت است که تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهای کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیتهای رانت‌جویانه است (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸). وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد که ممکن است دولت نیز باشد و از قراردادهای پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود (اکیا و همکاران، ۲۰۰۵).

همان‌طور که در قبل اشاره شد ویژگی بارز اقتصاد امروز، تغییرات زیاد و سریعی است که در حال وقوع است. لذا با توجه به مطالب گفته‌شده از تعاریف کارآفرین و کارآفرینی می‌توان نتیجه گرفت راه منطبق شدن کشورها یا جوامع با این تغییرات سریع، پیشرفت در خلاقیت، نوآوری و ایده‌سازی است. لذا و در این راه است که می‌توان به توسعه و رشد بالای اقتصادی رسید. و آنچه از تعریف نهاد گفته شد می‌توان این‌گونه برداشت کرد که نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های موجود در انسان‌ها برای مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. و همچنین باعث کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های موجود است. به‌طور کلی عوامل نهادی تأثیرگذار بر عوامل کارآفرینی و نتیجه این تأثیرگذاری بر روی رشد اقتصادی می‌باشد.

^۱ Mauro



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵

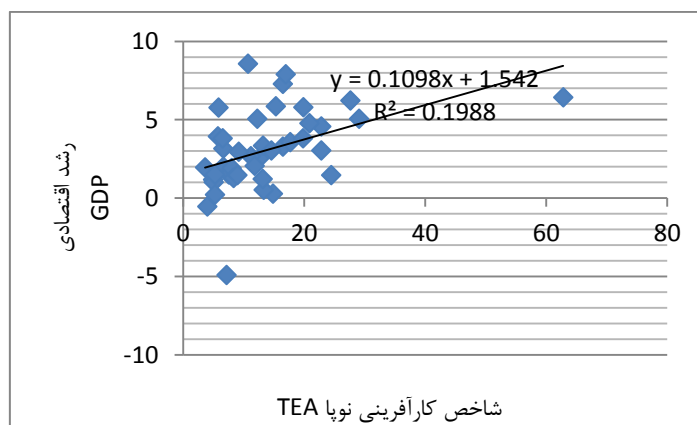


وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید بهشتی تهران

۴- روش تحقیق

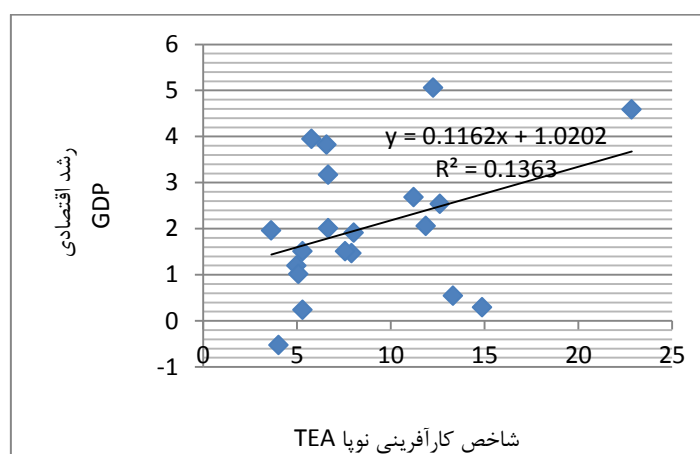
در این تحقیق با روش مقایسه‌ای و ترسیم نمودار با استفاده از میانگین داده‌های مربوط به شاخص‌های کارآفرینی نوپا و حاکمیت قانون به‌عنوان یک عامل نهادی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴ به بررسی تأثیر کارآفرینی و حاکمیت قانون ۳۹ کشور منتخب از کل جهان پرداختیم.

۴-۱- یافته‌های تحقیق



نمودار ۱- تأثیر کارآفرینی بر روی رشد اقتصادی کل کشورهای منتخب

نمودار ۱ نشان‌دهنده همبستگی ناقص و مثبت (مستقیم) بین رشد اقتصادی و کارآفرینی همه کشورهای منتخب می‌باشد. بدین معنی که با افزایش کارآفرینی، رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.



نمودار ۲- تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته

در نمودار ۲ نیز همبستگی ناقص ولی مثبت بین رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و کارآفرینی مشاهده می‌شود.

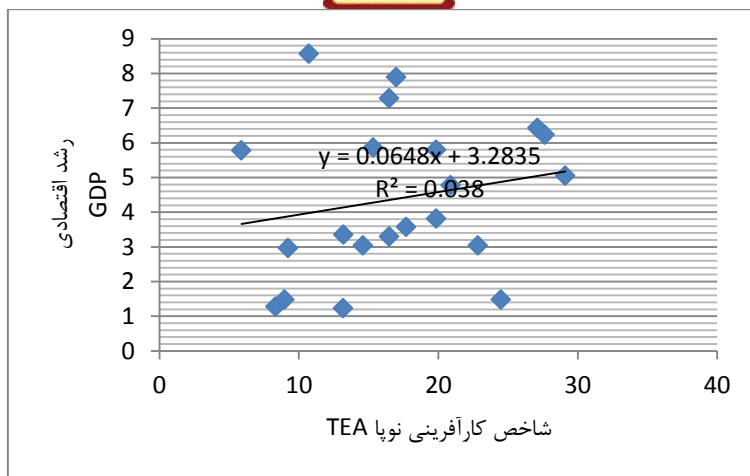


دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵

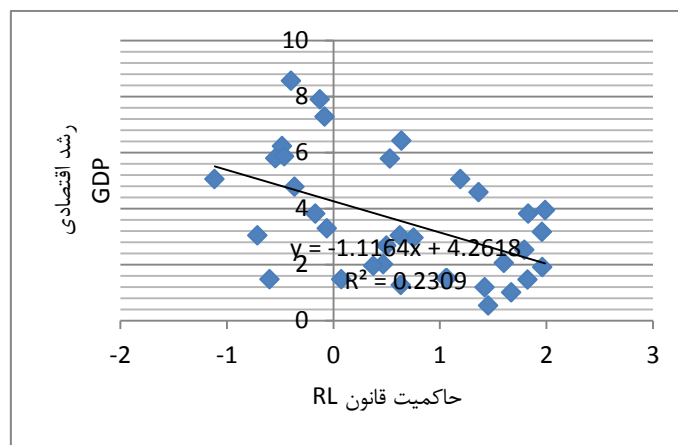


دانشگاه گیلان
فصلت علوم اقتصادی



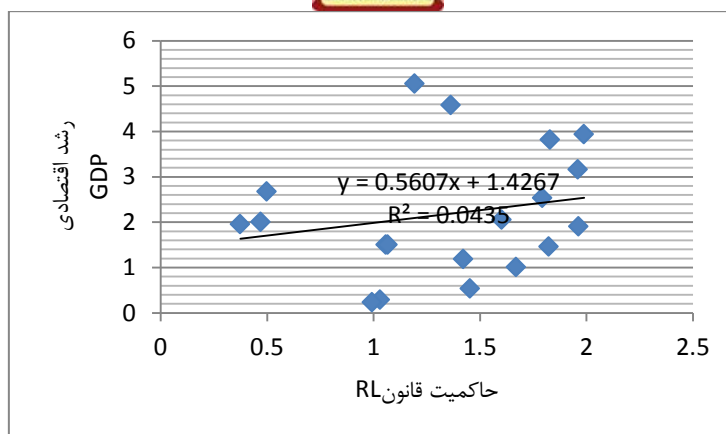
نمودار ۳- تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه

در این نمودار نیز همبستگی ناقص ولی مثبت بین رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و کارآفرینی نیز مشاهده می‌شود.



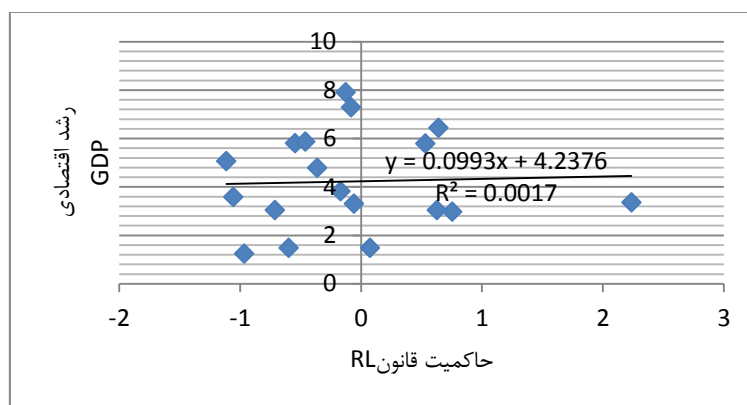
نمودار ۴- تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کل کشورهای منتخب

در نمودار ۴ مشاهده می‌شود که همبستگی ناقص و معکوس بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی وجود دارد. که این نتیجه با بسیاری از نتایج تحقیقات دیگر منافات دارد. که این منافات طبق گفته داویز (۲۰۰۴) می‌تواند به دلیل متغیرهایی که به‌عنوان حاکمیت قانون انتخاب می‌شوند باشد و یا اینکه آن مطالعات همبستگی میان متغیرها را نشان می‌دهد نه رابطه علیت را.



نمودار ۵- نمودار تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته

نمودار ۵ نشان دهنده همبستگی ناقص و مثبت بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته می باشد. با افزایش حاکمیت قانون، رشد اقتصادی افزایش می یابد.



نمودار ۶- تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی درحال توسعه

نمودار ۶ نشان دهنده تقریباً عدم همبستگی بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه می باشد. طبق گفته داویز (۲۰۰۴) می تواند به دلیل متغیرهایی که به عنوان حاکمیت قانون انتخاب می شوند باشد و یا اینکه آن مطالعات همبستگی میان متغیرها را نشان می دهد نه رابطه علیت را. در ادامه به طور کامل به بررسی و تحلیل نمودارها خواهیم پرداخت.

همان گونه که در تحقیقات تجربی قبلی دیده شده است، نوع تأثیرپذیری رشد اقتصادی کشورها از فعالیت کارآفرینی به درجه توسعه یافتگی کشورها بستگی دارد. در نمودارهای شکل ۱، مشاهده می شود که رابطه خطی مثبت وجود دارد به این صورت که با افزایش کارآفرینی رشد اقتصادی نیز افزایش می یابد. این همبستگی در کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه نیز برقرار است (با توجه به نمودارهای ۲ و ۳).

آن گونه که پیشتر گفته شد میزان تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی به توسعه یافتگی کشورها وابسته است. اگر کشور توسعه یافته باشد کارآفرینی تأثیر مثبت، و اگر درحال توسعه باشد این تأثیر منفی است. این به این دلیل است که در کشورهای توسعه یافته به دلیل بالا بودن درآمد سرانه، وجود امنیت، آموزش و ... تمایل برای قبول مسئولیت جدید و مخاطره را برای افراد کم می کند. این نیز به این دلیل



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید باهنر

می‌تواند باشد که به خاطر فراهم بودن تنوع و جذاب بودن مشاغل و همچنین امنیت اجتماعی بالا (مانند حقوق بیکاری مکفی) است که افراد را نسبت به ایجاد کسب‌وکار جدید که نیازمند مسئولیت‌پذیری و تحمل فشار کاری زیاد است، بی‌میل می‌نماید. این موضوع برای سایر کشورهای با درآمد سرانه بالا و توسعه‌یافته نیز برقرار است.

در مورد رابطه رشد اقتصادی و کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، مالزی، هند، مجارستان و ... بسیاری از کشورها ارتباط بین رشد اقتصادی و کارآفرینی، مثبت ارزیابی شده است به طوری که با افزایش کارآفرینی، رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد در این کشورها به دلیل اینکه رفاه اجتماعی، امنیت اجتماعی (بیمه بیکاری و ...)، شغل‌های زیاد، جذابیت شغلی بالا، به سطح قابل قبولی نرسیده است، و اینکه لازمه فعالیت کارآفرینی وجود سرمایه است و چون درآمد سرانه آنها رو به افزایش است لذا با این شرایط بستر کارآفرینی مهیاست. لذا رابطه دوسویه رشد اقتصادی و کارآفرینی برقرار است.

اما در کشورهای برزیل، پرو، رمانی، تایلند و اروگوئه با افزایش کارآفرینی رشد اقتصادی کاهش یافته است. دلیل این می‌تواند نبود شرکت‌های بزرگ برای حرکت به سوی رشد اقتصادی بالا و آموزش به شرکت‌های کوچک‌تر باشد. یا اینکه به خاطر پایین بودن سطح درآمد، پایین بودن نیروی انسانی ماهر، نبود آموزش کافی و ... کارآفرینان این جوامع به سمت حاشیه کشیده می‌شوند و به دلیل نداشتن تخصص و آموزش در کار و حرفه خود، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارند.

در اکثر کشورهای در حال توسعه مورد بررسی این پژوهش تأثیر حاکمیت قانون به عنوان یک عامل نهادی بر رشد اقتصادی مثبت می‌باشد که این بدین معناست که هرچه قانون، مثل قوانین شروع یک کسب‌وکار یا شرایط مالی کسب‌وکار یا قوانین جلوگیری از ورشکستگی و ... کاملاً روشن باشد، کارآفرینان با اعتماد و اطمینان بیشتری دست به خلاقیت و نوآوری می‌زنند. و زمینه رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر فراهم می‌شود؛ این وضعیت برای بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نیز برقرار می‌باشد. همچنین مشاهده شد که در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به صورت جدا نمودارهای ۵ و ۶ اثر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی مثبت است. اما در مجموع (کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، نمودار ۴) این نتیجه را نشان نمی‌دهد. نتایج تحقیقات بررسی شده نشان می‌دهد که بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد به این صورت که اگر قوانین به صورت عالی، واضح و روشن پایه‌گذاری شده باشند و افراد جامعه و کارآفرینان از آن مطلع و آگاه باشند، سرمایه‌گذاری زیاد و باعث بهبود رشد اقتصادی خواهد شد؛ که بالعکس آن نیز برقرار است. اما همان‌طور که گفته شد در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است حاکمیت قانون به طور کلی بر کشورهای منتخب تأثیر منفی گذاشته است، که این می‌تواند به دلایل آماری باشد و یا ممکن است به عواملی دیگر از عوامل نهادی مربوط شود مانند کنترل فساد و یا اثربخشی دولت، یا عوامل نهادی غیررسمی مانند اعتماد به نفس و مهارت، جنسیت، سن و ... و یا طبق گفته داویز (۲۰۰۴) ممکن است همبستگی‌های به دست آمده در حقیقت وجود یک عامل مطالعه نشده مانند سرمایه اجتماعی را منعکس کنند که علت تغییر هردو ویژگی حاکمیت قانون و سطح بالای رشد و توسعه جوامع است. و یا طبق اظهار نظر گینس برگ (۱۳۹۲) تعریف حاکمیت قانون مفاهیم مختلفی را در یک مفهوم واحد تلفیق می‌کند که شامل جرم و اجرای قراردادهای در چارچوبی واحد است. این مفهوم کاربردی، هم دربرگیرنده عناصر شکلی است و هم مفاهیم ماهوی مانند امنیت اشخاص و آزادی از جرم را در برمی‌گیرد. برخی از این عناصر ممکن است در کنترل مقامات حکومتی باشند؛ برخی دیگر مربوط به شرایط زیرساختی اقتصادی و اجتماعی باشند که ارتباطی با حاکمیت قانون نداشته باشند. ممکن است این عناصر ضرورتاً همراه باهم نباشند، و در نتیجه نه تنها در سنجش اشتباه ایجاد کنند، بلکه موجب سردرگمی مفهومی نیز بشوند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید باهنر

در تحقیقات پیشین رابطه بین عوامل نهادی، کارآفرینی و رشد اقتصادی تأیید شده است. نتیجه این مطالعه نیز به طور کلی در مورد تاثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی هم‌راستا با نتایج تحقیقات قبلی است اما در مورد تاثیر حاکمیت قانون چنین نیست. همان‌طور که مشاهده شد شاخص کارآفرینی نوپا در رشد اقتصادی تأثیرگذار است اما این تأثیر به درآمد سرانه مربوط می‌شود به طوری که در کشورهای توسعه یافته با سطح درآمد بالا کارآفرینی اثر مثبت دارد. ولی در کشورهای با درآمد سرانه پایین و در حال توسعه این اثر منفی است که می‌تواند دلایل خاص خود را داشته باشد، این دلایل ممکن است که نبود بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگی باشد که بتواند تأثیرگذار بر فرایند حرکت یک اقتصاد در حال توسعه به یک اقتصاد توسعه یافته شود، اگر این بنگاه‌های بزرگ در کشورهای فقیر ایجاد شوند کارگران می‌توانند در شرکت‌های بزرگ آموزش ببینند تا نیروی‌های کارآفرین و خلاق شوند. همچنین بنگاه‌های کوچک موجود در این کشورها از بنگاه‌های بزرگ آموزش می‌بینند و مایحتاج خود را از طریق آنها فراهم می‌کنند. اما متأسفانه در کشورهای در حال توسعه و فقیر بنگاه‌های کوچک وجود دارد که آنها هم توانایی کسب آموزش و مهارت را به دلیل پایین بودن سطح درآمدی ندارند.

یک دلیل دیگر تفاوت اثرگذاری کارآفرینی بر رشد می‌تواند نبود سرمایه انسانی باشد. کارآفرینان در کشورهای در حال توسعه و فقیر با درآمد سرانه پایین با کمبود نیروی انسانی مواجه‌اند و همچنین به دلیل نبود آموزش مناسب برای این کارآفرینان، باعث به وجود آمدن تأثیر منفی بر روی رشد خواهد شد.

دلیل دیگر تأثیر مثبت و منفی کارآفرینی بر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه این است که، کشورهای با درآمد سرانه بالا و توسعه یافته از وجود کارآفرینان بهره می‌برند چراکه سیاست‌های مناسب و حمایت‌های لازم و همچنین دارا بودن زیرساخت‌های مناسب اقتصاد این کشورها شرایط لازم برای نوآوری را مهیا می‌کند. اما افراد کارآفرین در این کشورها به دلیل وجود فرصت‌های شغلی گوناگون و جالب و جذاب و همچنین بالا بودن امنیت اجتماعی بالا (مانند حقوق بیکاری مکفی) است که افراد را نسبت به ایجاد کسب‌وکار جدید که دارای دردسر، فشار و مسئولیت خاصی است، بی‌میل می‌کند. در کشورهای در حال توسعه برعکس است، و به دلیل اینکه اقتصاد فرصت کاری و زیادی را برای افراد ایجاد نمی‌کند لذا به خاطر کمبود کار و شغل و نبود امنیت اجتماعی افراد دست به نوآوری و کارآفرینی می‌زنند.

نتیجه دیگر اینکه در بسیاری از تحقیقات شاخص حاکمیت قانون نشان می‌دهد در کشوری که افراد جامعه و مدیران و مسئولان آن جامعه از قانون پیروی کنند، قانون‌ها منظم چیده شده باشد، حقوق افراد کل جامعه مورد توجه و احترام قرار گیرد، دارای آزادی مدنی بالا و به طور کلی دستگاه قضایی مناسبی در نظر گرفته شود تا منابع هر قسمت در جای خود قرار گیرد و کارآمدی بالاتر و در نهایت رشد اقتصادی بالاتر منجر گردد.

اما مطالعات تجربی دیگری هستند که نشان می‌دهند هنوز به رابطه بین رشد اقتصادی و حاکمیت قانون علیتی وجود ندارد (معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۳). نتیجه حاصل از این مطالعه هم که از نمودارهای ۴ و ۶ می‌توان گرفت این است که حاکمیت قانون حتماً تأثیرگذار بر رشد اقتصادی نیست، این می‌تواند به این دلیل باشد که تعریف حاکمیت قانون که شامل جرم و اجرای قراردادها در چارچوبی واحد است، طبق این تعریف ممکن است بعضی از مفاهیم موجود در تعریف تحت نظر مقامات حکومتی باشد و بعضی دیگر مربوط به آنها نباشد که حتی ممکن است این عناصر لزوماً به هم مرتبط نباشند و باعث سنجش اشتباه و همچنین نتیجه اشتباه شود. از طرف دیگر می‌توان به تفاوت فرهنگ اشاره کرد به عنوان مثال ممکن است در یک کشور طبق آیین و فرهنگ خاص خود با جرم و جنایت برخورد قاطع نشود و در کشوری دیگر برخورد قاطع شود. که نوع این عملکرد ممکن است در یک کشور باعث رشد اقتصادی و در کشوری دیگر عدم رشد را به همراه داشته باشد.



۱: ایجاد یک فرهنگ کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، آموزش مهارت‌های کسب‌وکار و کارآفرینی و بنا نهادن سیاست‌های جدید می‌تواند بستری را ایجاد کند که به توسعه کارآفرینی کمک کند.

۲: بسترسازی قانونی فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، در واقع با تدوین قوانین و مقررات مالی و مالیاتی مشوق فعالیت‌های کارآفرینی می‌توان شد.

۳: آموزش کارآفرینی، بدین معنی که محتوای آموزش به ایجاد خلاقیت و نوآوری، روش‌های جذب منابع مالی و غیرمالی در کشورهای در حال توسعه رواج پیدا کند.

۴: حضور نهادهای باکیفیت در جامعه و نیز وجود کارآیی در اعمال حاکمیت قانون و به تبع آن تضمین امنیت در حقوق مالکیت خصوصی - به عنوان یکی از اجزای انکارناپذیر حاکمیت قانون - بر رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است. این اثرگذاری عمدتاً از طریق تحریک انگیزه‌های اقتصادی و ایجاد بهبود در شرایط کارآفرینی، افزایش سطوح سرمایه‌گذاری، ارتقای سطح رفاه جهانی تحقق پذیرفته و در نهایت، در قالب بهبود شاخص درآمد سرانه و نیز ارتقای معیارهای رفاهی منعکس می‌شود.

۵: اگر نهادهای رسمی که همگی عمومی هستند و مربوط به کل جامعه می‌باشد طوری برنامه‌ریزی شوند که همه اطلاعات در دسترس باشد و مراحل شروع یک کسب‌وکار آسان شود، افراد با اعتمادبه‌نفس و قبول مخاطرات بیشتری وارد عمل می‌شوند و لذا باعث کارآمدی بیشتر و رشد اقتصادی بالاتر می‌شود.

۶: پیشنهاد می‌شود که تا حتی الامکان توجه زیادی به نهادهای رسمی از جمله قانون اساسی، نظام قضایی و ... شود، چراکه نهادها حقوق مالکیت و قراردادهای را معرفی می‌کنند، آگاهی افراد از حقوق خود در زمینه دارایی و درآمدشان را بالا می‌برند، به اجرایی شدن قراردادهای کمک می‌کنند. چون نهادها موجب افزایش و یا کاهش رقابت در بازار می‌شوند و این رقابت موجب نوآوری می‌شود، لذا نباید این نهادها با برقراری و ایجاد محدودیت‌های قانونی مانع از ایجاد رقابت شوند. از حسنات نهادها می‌تواند بر تأثیرگذاری بر سطوح سرمایه‌گذاری و انتخاب فناوری جدید اشاره کرد.

۷: نظام قانونی رسمی به گونه‌ای اصلاح شود که در آن حقوق مالکیت به نحوی شفاف تعریف شود. با توجه به جایگاه ویژه امنیت حقوق مالکیت در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، قدرت رقابت‌پذیری و ... انتظار می‌رود توجهی خاص به این مؤلفه کلیدی معطوف شده و راهکارهایی در جهت حمایت هر چه بیشتر از آن (در کلیه ابعاد حقوق مالکیت از جمله حقوق مالکیت فیزیکی و فکری) اندیشیده شود.

۸: در آخر به دلیل اینکه مفهوم حاکمیت قانون پیچیده می‌باشد و این برنامه‌ریزی را برای کشور دشوار می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود که حاکمیت قانون با توجه به محیط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها در نظر گرفته شود نه از راه تقلید از کشورهای دیگر. و بهتر است که در داخل هر کشور ابتدا به صورت محدودهای و منطقه‌ای اصلاحات قوانین صورت گیرد و سپس آن را بسط داد.

منابع

۱. برادران شرکاء حمیدرضا، ملک الساداتی سعید (۱۳۸۷). "تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی کشورها منتخب (۱۹۹۶-۲۰۰۵)". مجله: راهبرد، زمستان - شماره ۴۹.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید باهنر

۲. تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، "توسعه اقتصادی در جهان سوم"، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ هشتم.
۳. دادگر، پدالته (۱۳۸۳)، "تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی"، قم، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ص ۴۲۴
۴. دیوسالار، سمانه و بزرگی، فرشاد (۱۳۹۱)، "بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار"، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان.
۵. سلاجقه، سنجر و حسینی‌گوهری، مریم (۱۳۹۱)، "رابطه کارآفرینی با چالش‌های اقتصادی" کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان.
۶. شاکری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد؛ کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۳)، "ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی": معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه علمی پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان و بهار ۱۳۹۴-۱۳۹۵.
۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل. رحمانی، امید (۱۳۸۹)، "بررسی نقش تحقیق و توسعه بر بهره‌وری بخش صنعت اقتصاد ایران". فصلنامه رشد فناوری، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۹.
۸. صباحی، احمد؛ ناجی‌میدانی، علی‌اکبر؛ سلیمانی، الهه (۱۳۹۱)، "بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب"، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۲
۹. عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۶)، "بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین‌کشوری برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵)"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۸.
۱۰. کیا نیور، سعید. خلیل‌خواه، امیر (۱۳۹۲)، "اقتصاد بحران"، انتشارات یاران، چاپ اول، زمستان، ۱۳۹۲
۱۱. گینس برگ، تام (۱۳۹۲)، "دشواری‌های سنجش حاکمیت قانون"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ترجمه لیلی منفرد، شماره مسلسل ۱۳۲۲۲.
۱۲. محمدزاده اصل، نازی (۱۳۸۱)، "آزمون نظریه رشد نئوکلاسیک"، تهران، پژوهش‌های اقتصادی.
۱۳. معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۳)، "ملاحظات در تأثیر حاکمیت قانون بر رشد و توسعه اقتصادی"، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۴۲۰۲.
۱۴. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۷ بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول؛ گروه مترجمان؛ ۱۳۷۸
۱۵. موسسه کار و تأمین اجتماعی (۱۳۹۳)، "ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی در ایران بر اساس مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی".
۱۶. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۲)، "همسویی رشد و عدالت در نظام اقتصادی اسلام"، مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول
۱۷. نجارزاده نوش‌آبادی؛ ابوالفضل؛ مهرانفر، جهانبخش؛ طبرسی، محبوبه (۱۳۹۱)، "نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی"، فصلنامه علمی-پژوهشی، سال هفتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱
۱۸. نغی آغمیونی، منیژه و نجارزاده، رضا (۱۳۸۲)، "واژگان کلیدی اقتصاد خرد و کلان"، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول
۱۹. هیووید، پل، (۱۳۸۱)، "فساد سیاسی"، ترجمه محمد طاهری و میرقاسم هاشمی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

20. Akai, N., Horiuchi, Y., Sakata, M., Kohno, M., Mifune, H., Nakazato, T., & Uemura, T. (2005). Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-level Cross section Data for the United States, Asia Pacific School of Economics and Government, The Australian National University Working Papers 05/5.



21. Audretsch, D. B., & Thurik, R. (2000). What's New About the New Economy? Sources of growth in the managed and entrepreneurial economies.
22. Barro, R. J. (1999). Determinants of democracy. *Journal of Political economy*, 107(S6), S158-S183.
23. Barro, R. J. (1996). *Determinants of economic growth: a cross-country empirical study* (No. w5698). National Bureau of Economic Research.
24. Baumol, William J. (1990). Entrepreneurship: Productive, Unproductive and Destructive. *Journal of Political Economy*, 805, 893-921
25. Bosma, N. S., Jones, K., Autio, E., Levie, J., (2008), "Global Entrepreneurship Monitor 2007 Executive Report", London, U.K.: London Business School and Babson Park, MA: Babson College.
26. Carree, M. A., & Thurik, A. R. (2003). The impact of entrepreneurship on economic growth. In *Handbook of entrepreneurship research* (pp. 437-471). Springer US.
27. Clague, C., Keefer, P., Knack, S., & Olson, M. (1996). Property and contract rights in autocracies and democracies. *Journal of Economic Growth*, 1(2), 243-276.
28. Cornwall, d, Perlman, B, (2000), Organizational entrepreneurship, Richard Irwin, pp 35.
29. Davis, K. E. (2004). What can the Rule of Law variable tell us about Rule of Law reforms?.
30. Engerman, S.L., Mariscal, E.V., Sokolof, K.L., (1999), The persistence of inequality in the Americas: Schooling and suffrage, 1800-1945. Mimeo., UCLA, September.
31. Fatas, A., & Mihov, I. (2013). Policy volatility, institutions, and economic growth. *Review of Economics and Statistics*, 95(2), 362-376.
32. Fu Tony & Yu Lai, "Toward a Theory of the Entrepreneurial State", *International Journal of Social Economics*, Vol. 28, No. 9, 2001.
33. Kokkinou, A. (2005). Entrepreneurship, innovation activities and regional growth.
34. Mitchell, W. C. (1910). The rationality of economic activity. *Journal of Political Economy*, 18(3), 197-216.
35. Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The quarterly journal of economics*, 110(3), 681-712.
36. North, D. C. (1973). Robert Paul Thomas The Rise of the Western World. *A New Economic History*. Cambridge.
37. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge university press.
38. Prokopenko, Joseph & Labour Organization, 1991. Schumpeter, J.A. (1942), "Capitalism, Socialism and Democracy", New York: Harper and Row.
39. Van Stel, A. Carree, M. Thurik, R. (2004). The effect of entrepreneurship on national economic growth: an analysis using the GEM database. Max Planck institute for Research into Economic Systems Entrepreneurship, Growth and Public Policy.
40. Veblen, Th. (1909), the Limitation of Marginal Utility, the Journal of Political Economy, Vol. 17, No.9